



ویژه نامه محتوایی دهه مبارک فجر

۵

• آسیب‌ها و آفات انقلاب اسلامی

الحمد لله الذي



عنوان: ویژه‌نامه محتوایی دهه مبارک فجر (جلد پنجم)

تهیه و تدوین: معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی

زمان: دی‌ماه ۱۴۰۲

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۳ | مقدمه: |
| ۴ | بخش اول: آسیب شناسی فرهنگی و اجتماعی |
| ۴ | (۱) نفوذ فکری و فرهنگی |
| ۵ | (۲) فسادانگیزی در بین جوانان |
| ۵ | (۳) تجدد گرایی افراطی |
| ۶ | (۴) تحجّر و مقدّس نمایی |
| ۶ | (۵) رواج سکولاریسم |
| ۷ | (۶) کم رنگ شدن ارزشها و رو آوردن به ضد ارزشها |
| ۸ | (۷) ابتذال فرهنگی |
| ۹ | (۸) تحریف ریشه‌های انقلاب و شخصیت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) |
| ۱۰ | (۹) ترویج تقابل ملی گرایی در برابر اسلام خواهی |
| ۱۰ | (۱۰) ترویج اسلام ستیزی |
| ۱۱ | (۱۱) ترویج قومیت گرایی |
| ۱۱ | (۱۲) جدایی حوزه و دانشگاه |
| ۱۱ | (۱۳) دنیا طلبی و اشرافیگری |
| ۱۳ | (۱۴) غفلت از پرورش نیروی انسانی و نسل آینده |
| ۱۳ | بخش دوم: آسیب شناسی سیاسی |
| ۱۳ | (۱) تضعیف ولایت فقیه و رهبری |
| ۱۳ | (۲) تضعیف اندیشه و روحیه انقلابی |
| ۱۴ | (۳) رخنه و نفوذ فرصت طلبان |
| ۱۴ | (۴) تفرقه و اختلاف داخلی |
| ۱۵ | (۵) عدم مواجهه صحیح با آزادی و سوء استفاده از آن |

- ۶) سرپیچی از فرامین رهبری ۱۶
- ۷) خستگی نیروهای انقلابی ۱۶
- ۸) سوء مدیریت مسئولان ۱۷
- ۹) ناتمام گذاشتن آرمانهای نهضت ۱۸
- بخش سوم: آسیب شناسی اقتصادی ۱۸

مقدمه:

انقلاب‌ها و نهضت‌ها نیز مانند همه‌ی پدیده‌های عالم در معرض آفات و آسیب‌ها هستند. آفاتی که چهره‌های گوناگون و متفاوتی دارند؛ چنانچه این آفات به موقع شناسایی و دفع نشوند، ممکن است انقلاب را از بین ببرند، یا حداقل آن را از رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش بازدارند. تحقق آرمان‌های انقلاب، حفظ دستاوردهای آن، تنظیم سیاست‌های کلی نظام و حفظ مقبولیت حکومت، مشروط به شناخت دقیق آفات و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب است. امام خمینی (قدس سره) همواره در سخنان خود و به ویژه در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی خود با هشدار به این که انقلاب نباید به دست نااهلان بیفتد، رمز تداوم انقلاب و دور بودن از هرگونه آفت و آسیب را چنین معرفی می‌فرماید: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند، نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن آن انگیزه‌ی الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می‌باشد. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همواره اقشار مختلف مردم را از آفات و موانع احتمالی انقلاب برحذر داشته‌اند. ایشان در ارتباط با ضرورت و اهمیت آسیب شناسی انقلاب می‌فرمایند: «پرداختن به دنیا و شهوات؛ پرداختن به مال و مال اندوزی؛ پرداختن به خود بیش از پرداختن و اندیشیدن به جمع و هدف و خدا و دین خدا؛ دچار شدن به فساد اخلاقی - اعم از فسادهای مالی، جنسی، اداری و اختلافات داخلی که این هم یک نوع فساد بسیار خطرناک است - و جاه طلبیهای غلط و نامشروع، آن چنان که در دنیای غرب مطرح است، عواملی هستند که کاخ آرمانی انقلاب و اسلام و هر حقیقتی را ویران می‌کنند. بناهای جدیدی ساخته خواهد شد؛ اما بناهای طاغوتی، غیر خدایی، بناهای ضد اسلامی و ضد ارزشهایی که به خاطر آن‌ها خون شهدای ما ریخته شد. و این یعنی همان رجعت و برگشت، که دشمن منتظر آن است.» (۱۵ / ۱۰ / ۷۳) با توجه به آنچه بیان گردید، در این نوشتار تلاش بر آن است مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انقلاب اسلامی مورد بررسی اجمالی قرار گیرد.^۱



بخش اول:

آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی

۱) نفوذ فکری و فرهنگی

از منظر رهبر انقلاب (مدظله العالی) فرهنگ بسیار مهم است. «چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد.» (۱/ ۱/ ۹۳) رخنه در میان حوزه‌های علمیه و روحانیان، نفوذ در بین روشن‌فکران، الگو تراشی برای جوانان و نوجوانان امروز، یعنی نسل متولد شده بعد از پیروزی انقلاب، که نه شناخت مستقیمی از انقلاب و روند آن دارند و نه خاطره‌های محکم و استواری از جانفشانی‌های دوران دفاع مقدس، رواج دادن انواع و اقسام فعالیت‌های فرهنگی مبتدل با به کارگیری آخرین دستاوردهای نوین و ابزارها و فناوری‌های پیشرفته به منظور افزایش جاذبه آن‌ها از جمله برنامه‌های دشمن در فرایند براندازی پنهان است.

فرهنگ و اندیشه‌های بیگانه از دو طریق نفوذ می‌کنند: یکی از طریق دشمنان، یعنی هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می‌گیرد و جاذبه پیدا می‌کند و مکتب‌های دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایر است وارد آن مکتب می‌کنند و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند و یا کم اثر می‌کنند... دیگر از طریق دوستان و پیروان، گاهی پیروان خود مکتب به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می‌دهند و عرضه می‌نمایند.

ابعاد نفوذ فرهنگی به شرح زیر است:

- هویت‌سازی در جهت اهداف مورد نظر غرب به گونه‌ای که ملت‌ها را علیه حکومت‌های خود بشورانند یا ملت‌ها ارزش‌ها و هویت راستین خود را انکار کنند و طالب هویت غربی، نمادهای غربی و نیز زندگی غربی باشند.
- شناسایی، سرمایه‌گذاری و هدایت مسئولان ضعیف در حوزه‌ی فرهنگ.
- ایجاد بسامد تبلیغاتی مسموم بر ضد منتقدان فرهنگ غیر اسلامی.
- عملیات هماهنگ در چارچوب فضای مجازی و استفاده از پیشرفت الکترونیک در فضای رسانه‌ای.
- استفاده از شبکه‌ی عناصر داخلی، به عنوان پیاده نظام عملیاتی کردن نفوذ فرهنگی.
- تحمیل پیامدهای جبران‌ناپذیر و عمیق نفوذ فرهنگی.

«هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه ی فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه ی فرهنگی باشند؛ رخنه های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حسّاس باشند، باید هشیار باشند».. (امام خامنه ای - ۱ / ۹۳)

۲) فسادانگیزی در بین جوانان

«مدیریت فرهنگ یک کار بسیار لازم است؛ و مدیریت هم باید بر مبنای شعارهای انقلاب و مبنای انقلاب باشد؛ یعنی مراقبت بشود آن چه اصل است، این است که مبنای انقلاب و مبنای استقلال کشور و مبنای امام و مانند اینها باید محفوظ باشد... هر کشوری یک اصولی دارد که این اصول باید مراقبت بشود و دستگاه های حاکمیتی باید این اصول را رعایت کنند؛ رودربایستی ندارد. اگر چنانچه می بینید فلان تئاتر، فلان فیلم، فلان کتاب، فلان نشریه با مبنای انقلاب و مبنای اسلام مخالف است، جلوی آن را بگیرید و با آن برخورد بکنید» (امام خامنه ای - ۹۴ / ۶/۴)

۳) تجدّد گرایی افراطی

در مقابل تمسک به اسلام ناب، تجدّد گرایی افراطی و زهدگرایی منفی قرار دارد. «تجددگرایی افراطی - که هم در شیعه وجود داشته و دارد و هم در سنی - و در حقیقت عبارت است از آراستن اسلام به آن چه از اسلام نیست و پیراستن آن از آن چه از اسلام هست به منظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان کردن، آفت بزرگی برای نهضت است و وظیفه رهبری نهضت است که جلو آن را بگیرد».

تجدّد گرایی افراطی در حقیقت تلفیق اسلام با اندیشه های غیر اسلامی برای زیبا جلوه دادن آن می باشد. و این اندیشه غیراسلامی گاهی اندیشه ماتریالیستی و گاهی اندیشه های لیبرالیستی و مدرنیته و گاهی تفکرات پست مدرن می باشد که امروزه شاهد آن هستیم. تجدّد گرایی افراطی به خاطر داشتن روحیه ی انفعال پذیری و خودباختگی می باشد. مقام معظم رهبری این مورد را یکی از آفت های انقلاب اسلامی بر می شمرد و می فرماید:

«آن چیزی که باید مورد توجه قرار بگیرد و من اصرار دارم که مردم عزیز ما به خصوص جوانان و همچنین مسئولان بخش های مختلف نظام جمهوری اسلامی بدان توجه کنند، این است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی، وقتی نمی توانند در میدان مبارزه رویارویی، کار مؤثری با این نظام انجام بدهند... وقتی از همه این ها یعنی اقتصادی، نظامی، امنیتی و انفجار داخلی مأیوس می شوند، یک راه برای آن ها باقی می ماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی را، به مواضعی برخلاف اصول خود سوق دهند. یا به عبارت ساده تر و روشن تر او را وادار کنند که از گفته های خود در زمینه ی مسایل انقلاب برگردد،

حرف و مواضع خود را تخطئه نکند و خودش را دچار تناقض نماید. این را از چه راهی انجام می دهند؟ از راه فشارهای تبلیغاتی، سیاسی و فرهنگی. جو را آن چنان از فشار انباشته می کنند، که انسان های ضعیف النفس در مقابل این فشار نمی توانند مقاومت کنند... این خطر بزرگی است که صاحبان فکر و اندیشه را در کشورها تهدید می کند، در مقابل این خطر باید مثل کوه استوار ایستاد.» (۱۴/۳/۱۳۷۶)

۴) تحجّر و مقدّس نمایی

تحجّر به مفهوم جمود و انعطاف ناپذیری است. حالتی که شخص در مقابل هر پدیده‌ی جدید به دلیل تازه بودن واکنش منفی از خود نشان می دهد. همزمان با شروع نهضت امام خمینی (قدس سره) در سال ۱۳۴۱ و مبارزه‌ی ایشان علیه رژیم ستم شاهی، متحجّران، و مقدّس مآب‌ها سدّ راه مبارزه شدند، به طوری که امام خمینی (قدس سره) مبارزه با این‌ها را هزار بار سخت‌تر از مبارزه‌ی با رژیم می دانستند. پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدّس اسلامی نیز، این نوع افراد به مبارزه با نظام اسلامی برخاستند. برخی به ملحدان و ضدّ انقلاب پیوستند، برخی در کشور ماندند و سعی کردند به هر وسیله مشروعیت نظام را زیر سؤال برده و خوراک تبلیغاتی برای رسانه های گروهی بیگانگان تهیه کنند. امام خمینی (قدس سره) در پایان عمر مبارک شان گوشه ای از خیانت های آن ها نسبت به اسلام را بازگو کرده و فرمودند: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجّر خورده است هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورده است و آن قدر که اسلام از این مقدّسین روحانی نما ضربه خورده است از هیچ قشر دیگری نخورده است.»

و امام خامنه ای مد ظلّه العالی خطر تحجّر را این گونه بیان فرموده اند: «تحجّر آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر اکتفا کند. و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور، که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارایه بدهد. این بلای بزرگ است. اگر در رأس نظام های سیاسی که بر اساس اسلام تشکیل شده است یا در آینده تشکیل خواهد شد؛ چنین روحیه ای وجود داشته باشد. اسلام برنامه دارد و خواهد توانست از منبع لایزال و احکام اسلامی، جامعه را به پیش ببرند و امام خمینی قدس سره خود را از این آفت مبرا کرد.» (۱۴/۳/۱۳۷۶)

۵) رواج سکولاریسم

ترویج اندیشه سکولاریسم برای انقلابی که بر اساس یگانه انگاری دین و سیاست پا گرفته و جوهره آن را بر آمدن سیاست از دین تشکیل می دهد، سم مهلکی است که به پایه های آن آسیب جدی و جبران ناپذیری وارد می سازد. «این همانی» دین و

سیاست از قوی‌ترین نقاط یک جامعه دینی، به ویژه در عصر جدید، به شمار می‌آید. ساده‌ترین و بهترین وضعیت برای یک جامعه دینی پذیرش این نکته است که دین و سیاست را جفتی توأمان بدانند و حتی بیش از آن، حالتی «این‌همانی» میان‌شان برقرار سازند. در چنین شرایطی، نقاط قوت دین و سیاست با هم رابطه تعاطی را تشکیل می‌دهند. سیاست به هنگام، منسجم و قوی می‌تواند پشتوانه لازم برای اعتبار و شکوه دین قرار گیرد و متقابلاً دین مقبول و مطلوب و جای‌گرفته در اعماق ذهن و قلب اعضای جامعه که در عین حال، خود در بردارنده آموزه‌های سیاسی است، تکیه‌گاهی مناسب برای سیاست شمرده می‌شود. چنین رابطه‌ای را می‌توان از سیره پیامبر و آثار اسلامی نیز اخذ کرد، ولی پرداختن به این مهم خارج از چهارچوب و حوصله این مقاله است. اگر حکومت دینی حکومتی است که از صدر تا ذیل آن بر اساس دین تعریف می‌شود، بهترین راه مقابله با آن ارائه تفسیری از دین است که سیاست و اداره جامعه را در دست هر کس برتابد و دخالت دین در سازوکارهای حکومت و جامعه را نیز نپذیرد؛ دین را امری فردی و آن جهانی بداند و جامعه را از قلمرو الزامات دینی خارج سازد.

۶) کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و رو آوردن به ضد ارزش‌ها

با سقوط یک رژیم سیاسی، ارزش‌های مسلط آن از بین نمی‌رود. هر چه قدر زمان مبارزه برای پیروزی انقلاب کم‌تر باشد، حضور ارزش‌های قبلی در جامعه بیشتر نمودار است. انقلاب اسلامی انقلاب ارزش‌ها و هنجارهای دینی است. و اگر این ارزش‌های اسلامی که انقلاب ما برای تحقق آن‌ها بود در جامعه کم‌رنگ شود خطر بزرگی انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند. «بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که پس از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم مسیر انقلاب جهانی آن حضرت و شکل و محتوای آن، تا حدود زیادی عوض شد؛ این مسأله بر اثر رخنه افراد فرصت‌طلب و دشمنانی که تا دیروز با اسلام می‌جنگیدند، اما بعدها با تغییر شکل و قیافه، خود را در صفوف مسلمانان داخل کرده بودند، به وجود آمد. بدین ترتیب، از اواخر قرن اول هجری، تلاش‌هایی آغاز شد تا از این انقلاب با ماهیت اسلامی، به یک انقلاب دارای ماهیتی قومی و عربی تعبیر شود. وارثان میراث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به جای اعتقاد به تأثیرگذاری اسلام و ارزش‌های اسلامی در پیروزی آنان، و به جای حفظ و تداوم دستاوردهای انقلاب اسلامی با معیارها و اصول اعتقادی خاص خود، به انقلاب، ماهیتی قومی و عربی دادند و معتقد شدند که علت پیروزی آنان بر ملل غیر عرب "ملت عرب" بوده است.

حضرت امام قدس سره در وصیت‌نامه خود، فراموش کردن اهداف فرهنگی قیام ملت و مکتب الهی اسلام، به انزوا کشاندن روحانیت، غرب‌زدگی و شرق‌زدگی و سلطه بیگانگان بر مقدرات مراکز تعلیم و تربیت را از آفات فرهنگی انقلاب معرفی می‌نماید.

اندیشه‌های بیگانه ممکن است از طریق دشمنان یا دوستانی که مجذوب آرای دیگران شده‌اند، نفوذ کنند. نمونه این گرایش‌ها را در قرون اولیه اسلامی می‌توان دید. به عنوان مثال، مجذوب شدگان به پاره‌ای اندیشه‌های فلسفی و آداب و رسوم ایرانی و تصوف هندی، نظریات و اندیشه‌هایی را به عنوان خدمت، و نه به قصد خیانت، وارد اندیشه‌های اسلامی کردند. بنابراین، در مسأله ورود و نفوذ اندیشه‌های بیگانه باید به زمینه‌های داخلی آن نیز توجه کرد.

۷) ابتدال فرهنگی

از دیگر عوامل آسیب‌زا برای انقلاب اسلامی می‌توان به استفاده از هنر، سینما و تئاتر اشاره نمود که از طریق تولید انواع فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی و انتقال آن به کشور تأثیرات سویی را بر رفتارهای اجتماعی جوانان گذاشته است. مطبوعات و کتاب‌ها نیز برای ترویج فرهنگ غربی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. چاپ و نشر اشعار، مقالات و رمان‌های مختلف برای ترویج پوچ‌گرایی و نیز زیر سؤال بردن مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های فرهنگی آن در سطح گسترده‌ای مورد استفاده مخالفان نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است و نقش به‌سزایی در تهاجم فرهنگی غرب برای تضعیف باورهای اسلامی و انقلابی داشته است.

اشاعه‌ی فساد و فحشا در جامعه خصوصاً در بین نسل جوان و تأثیرپذیری از جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی دشمن و رجعت‌تدریجی به ارزش‌های فرهنگی رژیم پیش‌همواره از آسیب‌های جدی است که نظام را تهدید می‌کند. و به تعبیر مقام معظم رهبری تهاجم فرهنگی، یا شبیخون فرهنگی دشمن به طور دقیق در همین راستا می‌باشد. بحران هویت اجتماعی و دینی بالأخص بین نوجوانان و جوانان نسل دوم و سوم انقلاب و گرایش به الگوهای غربی و فرهنگ مبتذل غرب، همچنین از خطرات مهمی است که نظام اسلامی ما را تهدید می‌کند.

از مهم‌ترین ابزارهای اجتماعی برای تخریب فرهنگ جوامع دیگر، گسترش فساد اجتماعی است. فساد اجتماعی از جمله راه‌ها و روش‌های ضدفرهنگی است که ممکن است از عناصر داخلی گرفته شده و یا از فرهنگ بیگانه وارد اجتماع گردد. از جمله مفاسد اجتماعی، گسترش فساد جنسی در جامعه است. فیلم‌های ویدیویی، برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، تصاویر مبتذل مجلات و تبلیغات روانی که از این ابزارها نشأت می‌گیرد، همگی درصددند تا قشر جوان جامعه ما را در فساد جنسی فرو برند و با این کار آنان را از اهداف معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی منحرف کنند. از دیگر اقدامات اجتماعی تهاجم فرهنگی، ایجاد روحیه مدگرایی و اخلاق خاص ترویج‌کنندگان این مدها در قالب گروه‌های رپ، هوی متال و... است که ترویج‌کننده ارزش‌های ضد اخلاقی از جمله همجنس‌بازی و برقراری روابط آزاد جنسی هستند.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی در یکی از فرمایشاتشان با اشاره به سابقه تهاجم فرهنگی در ایران قبل از انقلاب اسلامی، از اواسط دوره قاجاریه و به ویژه دوره رضاخان، می فرمایند:

«انقلاب اسلامی که آمد، مثل مشتی به سینه مهاجم خورده، او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد. شما در آن دوران اول انقلاب، ناگهان دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خلیقات خودشان احساس کردند. در مردم، گذشت، قناعت، همکاری و گرایش به دین زیاد شد و آز و طمع و اسراف کم شد؛ این ها فرهنگ است، فرهنگ اسلامی این هاست... البته عمیق نبود، آن وقتی عمق پیدا می کند که چند سالی روی آن کار بشود، این فرصت پیش نیامد... در اواسط دوران جنگ، به وسیله ابزارهای تبلیغی، به وسیله گفتارهای غلط و کج اندیشانه، مجدداً شروع شد و آن ته نشین ها و رسوب های ذهنی و روحی خود ما مردم هم مؤثر بود! اما باز حرارت جنگ مانع بود تا این که جنگ تمام شد. پس از جنگ، این جبهه جدید به شکل جدی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی رانمی شود با تهاجم نظامی از بین برد!... با محاصره اقتصادی هم نمی شود، فهمیدند باید عقبه ملت را بمباران کنند. فهمیدند باید فرهنگ، اخلاق، ایمان، ایثار، اعتقاد به دین، اعتقاد به رهبری، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت ملت را از بین برد و شروع کرد.» (۷۱ / ۵ / ۲۱)

۸) تحریف ریشه‌های انقلاب و شخصیت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)

سرچشمه پیروزی انقلاب را در جوشش خون‌هایی باید دید که در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ریشه‌های آن را آبیاری کردند. آشنایی با چگونگی شکل‌گیری آن قیام سرخ، علل آن و انحرافات که دشمنان ملت از همان ایام سعی کردند در آن ایجاد کنند، از اهمیت اعتقادی و تاریخی برخوردار است. به هیچ وجه نباید آن سرچشمه، مهجور و آن علل برای نسل امروز و آینده ناشناخته بماند یا در کنار عناصر بی ارزش و مشکوک، کمرنگ جلوه داده شود. از حيله‌هایی که به کار گرفته شده و هنوز هم ادامه دارد، مطرح کردن عوامل و حوادث کم اهمیت و بعضاً خیالی یا بزرگ‌نمایی عناصر بی ارزش و جریان‌های ساختگی قیام تاریخی و حماسه بی نظیر دوران معاصر و شخص امام خمینی رحمت الله علیه است. آن‌ها قصد دارند با تحریف ریشه‌های انقلاب مانع بروز هرگونه شور حماسی جدید، و ادامه هیجان حق طلبانه و پی‌گیری اقدام حسینی در آینده شوند.

فرمایشات رهبر معظم انقلاب در ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۴ ناظر به همین موضوع بود، به ویژه آن‌جا که فرمودند:

«اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.»

۹) ترویج تقابل ملی‌گرایی در برابر اسلام‌خواهی

دشمن انقلاب، از طرح‌ها و برنامه‌هایی حمایت می‌کند که ایران منهای اسلام را بزرگ بنماید و به ویژه نسل جوان را به افتخارات پوچ شاهنشاهی ظالمانه علاقه مند کند و از عظمتی که اعتقاد به اسلام برای او به وجود آورد، بیگانه سازد. وجه بازر هویت ایرانی، حتی پیش از اسلام خداجویی او بوده و همین وجه موجب گرایش سریع او به اسلام شده است. این که ایرانی خداجو و دین‌گرا باشد، خوشایند دشمنان ما نیست؛ چرا که همین مسیر به طور منطقی ایرانی را به اسلام و محبت اهل بیت و شیعه امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودن و بالاخره، پیروزی انقلاب اسلامی می‌کشاند. از این رو، طراحی دشمن بدان سمت می‌رود که القا کند ایرانی فاقد هویت است: زمانی اسکندر بر آن‌ها تجاوز کرد، دورانی اعراب مسلط شدند، ایامی چنگیز بر آن‌ها تاخت، سال‌هایی تیمور بر آن‌ها یورش برد و در همه این احوال، ایرانی سر تسلیم فرود آورد و در مقابل مهاجم خاضع شد و دورویی کرد و اعتقاد قلبی خود را بروز نداد و به چاپلوسی حکام پرداخت و همراه آن‌ها شیوه اجحاف و ارتشا را پیش گرفت و... بدین ترتیب دشمن می‌خواهد این گونه نتیجه‌گیری کند که توجه به اسلام و انقلاب اسلامی در میان ایرانیان از همان نوع اقدامات توأم با دورویی است که در طول تاریخ، ایرانیان از خود بروز داده‌اند و گواه آن‌را نیز، بزرگ‌نمایی برخی از تخلف‌ها و مفاسدی می‌گیرد که خواه ناخواه در هر جامعه‌ای به چشم می‌خورد و در روزگار ما نیز وجود دارد.

این در حالی است که ظلم و جور مغولان و تیموریان نیز بدان شکل خاتمه یافت که مغولان ایلخانی با کمک ایرانیان، مدافع اسلام گشتند و تیموریان نیز رواج دهنده فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه قاره هند شدند، و این تسلط و قدرت معنوی ایرانیان مسلمان را می‌رساند. ویژگی‌های منفی که برای ایرانیان برمی‌شمرند نیز حاکی از قابلیت انطباق ایرانیان با شرایط جدید و قدرت صبر و استقامت آن‌ها است که همواره به از پا در آمدن ظلم، هرچند به قیمت شهادت سرداران زیاد، انجامیده است.

۱۰) ترویج اسلام‌ستیزی

دشمنان، اسلامی را که برای تضمین حق زندگی، حکم قصاص مقرر نموده، عقب مانده خواندند و خود به روش‌های دیگری پناه بردند که در عمل به گسترش جنایت و تعدی در عالم منجر شده است. اسلامی را که بیش‌ترین عنایت را به بانوان داشته و شایسته‌ترین مقام و منزلت را برای آن مقرر فرموده، ضد زن نامیدند و خود راه‌هایی را ابداع کردند که زنان را فقط ابزار شهوت رانی می‌کند. اسلامی را که زیباترین و کامل‌ترین مجموعه حقوقی را برای بشریت تنظیم کرده است، بیگانه از حقوق بشر و آزادی‌ها قلمداد کردند و خود شیوه‌ای را تبلیغ و ترویج نمودند که به تسلط ثروتمند بر محروم، و سیطره قدرتمند بر مستضعف ختم می‌شود.

۱۱) ترویج قومیت‌گرایی

تحقیر قومی، نژادی، و نیز زبانی و مذهبی ابزار سلطه قدرت‌های استعماری جدید و قدیم بر ملت‌ها و اقوام خویشاوند در سطح جهانی و در سطح ملی نیز بر دولت‌ها و ملل مستقل جهان بوده است. دشمن در پی سوء استفاده از وجود قبایل و طوایف مختلف ایرانی، و ریشه دار قلمداد کردن و اصیل خواندن برخی اختلافات بین آن‌ها بوده است. دشمن آن اختلافات را مایه امید خود قرار داد تا با تحریک و تشویق و تشدید آن‌ها، درگیری و کشتاری خانمان سوز و بنیان برانداز را شکل دهد تا در انتهای آن نه از انقلاب اثری، و نه از اسلام پیامی، و نه از ایران نشانی باقی بماند!

چه شادمانی‌ها که دشمن از بروز درگیری‌های قومی و سیاسی در برخی استان‌ها یا شهرستان‌ها از خود بروز نداد و چه تفسیرها که بر جزئیات آن درگیری‌ها نهاد و چه عوامل و علل تصنعی که برای آن نتراشید و چه حمایت‌ها که از گسترش آن‌ها نکرد! تفاوت‌هایی که به لحاظ فرهنگی و آداب و رسوم و سنن بین اقوام ایرانی وجود دارد، نشان دهنده سلاقی گوناگون و تفاوت‌هایی است که در ظرافت درک مکارم بین افراد یا اقوام وجود دارد. این تفاوت‌ها در طول تاریخ موجب تکمیل شناخت ایرانیان و رشد و بالندگی هنری و فرهنگی بوده و هیچ‌گاه برخی درگیری‌های جزئی نتوانسته است مستقلاً موجب شکاف بین اقوام ایرانی، علی‌رغم یکسان نبودن زبان یا لهجه یا مذهب و دین و یا نحوه زندگی اجتماعی آن‌ها، شود و در آینده نیز دشمنان، از وقوع یا دامن زدن به اختلافات بومی و قومی و منطقه‌ای، طرفی نخواهند بست.

۱۲) جدایی حوزه و دانشگاه

در واقع یکی از کلیدی‌ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی ما حفظ و تقویت وحدت دو نهاد حوزه و دانشگاه است که جدایی آن‌ها آفتی بزرگ به شمار می‌آید. از مهم‌ترین مراکز فرهنگی یک جامعه، که می‌تواند محافظ و توسعه دهنده فرهنگ آن باشد، مدارس و دانشگاه‌های آن کشور است؛ زیرا نسل آینده ساز هر جامعه به طور معمول از این مسیر پرورش می‌یابد. از این رو، در تهاجم فرهنگی به کشور ما نیز تلاش گسترده‌ای از سوی بیگانگان و وابستگان آن‌ها برای تغییر ارزش‌ها و از خودبیگانگی صورت گرفته است که در پاسخ به آن موضوع اسلامی کردن دانشگاه‌ها مطرح شد.

۱۳) دنیاطلبی و اشرافی‌گری

اگر زندگی تجملی و روحیه تکاثر طلبی در میان عناصر انقلابی فزونی گیرد و نیروهای انقلابی روحیه خود را از دست دهند، داعیه دفاع از انقلاب و ارزش‌های آن تضعیف می‌شود. ابن خلدون نیز در بحث فراز و فرود تمدن‌ها به دوران‌های زیر اشاره

می‌کند: دوران ظفر، دوران قدرت، دوره تجمل و فراغت، دوره خرسندی و بالاخره دوره اسراف و تبذیر و انحطاط. در دوران آخر، عصیبت (همبستگی اجتماعی) از بین می‌رود و تن‌آسایی، تجمل و حاکمیت روابط فزونی می‌گیرد. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «مَا ذُئِبَانَ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهَا بِأَضْرَّ فِي دِينِ الْمُسْلِمِ مِنَ الرَّئِاسَةِ - ضرر دو گرگ درنده که به ابتدا و انتهای گله بی‌چوپانی حمله ور شوند هیچ‌گاه از زبانی که از حب مال و جاه طلبی متوجه دین مسلمان می‌شود بیش‌تر نیست.

و به گفته حضرت امام خمینی قدس سره دنیادوستی با شعب مختلفش و به ویژه جاه طلبی ممکن است انقلاب و نظام اسلامی را به سقوط بکشد. امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «جنگ‌های پیغمبر همه اش با اغنیا بود و با گردن کلفت‌ها بود و با ثروتمندها بود».^۱

«خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیا و امیر المؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد».^۲

«توجه داشته باشند که رئیس جمهوری و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس کرده، در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه داران و زمین خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پاهای برهنگان را نمی‌توانند بفهمند».^۳

«به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستم‌دیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید».^۴

۱- صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۸۹.

۲- صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۱.

۳- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۳ - وصیتنامه سیاسی - الهی.

۴- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۲ - وصیتنامه سیاسی - الهی.

۱۴) غفلت از پرورش نیروی انسانی و نسل آینده

انقلاب به مثابه موجودی زنده است که برای دوام خود نیاز به تغذیه دارد. ساختن نیروهای انقلابی و مؤمن از نسل های جدید، از مهم ترین عوامل تداوم انقلاب محسوب می شود. غفلت از انتقال آموزه های انقلاب به نسل های دوم به بعد انقلاب، خطر گسست فرهنگی را به همراه خواهد داشت. وصول به این مقصود چندان که مسؤولان فرهنگی در وضعیت کنونی انقلاب پنداشته اند و عمل می کنند آسان نیست. به نظر می رسد، هشدارهای رهبر انقلاب و ارشادات ایشان آن چنان که باید از سوی برخی مسؤولان فرهنگی جدی گرفته نمی شود.

بخش دوم:

آسیب شناسی سیاسی

۱) تضعیف ولایت فقیه و رهبری

یکی از راهبردهای دشمن برای براندازی انقلاب، تضعیف رهبری و کم اهمیت جلوه دادن جایگاه آن است. مقابله با اصل نظریه ولایت فقیه نیز از شگردهای دشمنان انقلاب است. استحکام این نظام انقلابی، همان گونه که در قانون اساسی ملحوظ شده، وابسته به اقامه اصل ولایت فقیه است. مادامی که خدشه ای به این اصل وارد نیامده، براندازی انقلاب ناممکن خواهد بود. از این رو، دشمنان انقلاب نسبت به آن اصل تشکیک، و حملات خود را متوجه اساس ولایت فقیه کردند. آنان نه تنها در این راه از به کارگرفتن برخی از نیروهای نفوذی خود در حوزه های علمیه ابا نکردند، بلکه در طرحی ویژه چنین وانمود کردند که به عنوان مثال ولایت فقیه محکم فقهی و تاریخی ندارد و اگر هم ریشه دار باشد، کاربرد سیاسی ندارد! گاهی نیز در راستای این هدف، حمله به نهادهای وابسته به رهبری را در دستور کار خود قرار می دهند.

۲) تضعیف اندیشه و روحیه انقلابی

دشمنان انقلاب، انقلابی گری را به هرج و مرج معنا می کنند تا راهی برای شماتت انقلابیون داشته باشند. در حالی که، انقلابی گری یعنی حفظ روحیه عصیان نسبت به زشتی ها و اخلاق ناپسندی که موجب سقوط انسان و اجتماع در ورطه خودخواهی و ابتذال و پشت پازدن به اصول می شود. دشمنان انقلاب خواستار آرامش و سکونند تا در غفلت ناشی از آن، هواپرستی را حاکم کنند. مگر دشمنان انقلاب و شیاطین دست از اهداف شوم خود برداشته اند که ما باور کنیم شوریدن بر ضد توطئه های آن ها

باید به فراموشی سپرده شود؟ بنابراین روحیه عصیان برای مقابله با خیانت‌های آنان باید همواره در ما زنده بماند. همچنان که رهبر معظم انقلاب بارها بر آن تأکید فرموده‌اند.

۳) رخنه و نفوذ فرصت طلبان

آماج نفوذ دشمن، بر نخبگان و مسئولین و شکل دادن و حاکم کردن طبقه‌ای از غرب‌گرایان میان آن‌هاست. این تلاش برای تغییر محاسبات و تغییر رفتار نه تنها نیروهای غرب‌گرا که حتی نیروهای انقلاب را نیز هدف قرار داده و به نوعی عمل می‌کند که آن‌ها بر معیارهایی مخدوش و مخشوش عمل کنند. رخنه و نفوذ در درون یک نهضت از آفت‌های بزرگ هر نهضت است. نفوذی و فرصت طلب کسی است که نسبت به آرمان‌های انقلاب بی‌اعتقاد یا بی‌تفاوت و در تلاش برای تأمین منافع شخصی است.

آیت‌الله شهید استاد مطهری (رحمه الله علیه) در این رابطه فرموده است:

«هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می‌کند سنگینی‌اش بر دوش افراد مؤمن، مخلص و فداکار است، اما همین که بار نشست و یا لاًقل نشانه‌های بار دادن آشکار گشت، و شکوفه‌های درخت هویدا شد، سر و کله‌ی افراد فرصت طلب پیدا می‌شود... تا آن‌جا که تدریجاً انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به در می‌کنند. این جریان تا آن‌جا کلیت پیدا کرده که می‌گویند: "انقلاب فرزند خور است" گویی خاصیت انقلاب این است که همین که به نتیجه رسید فرزندان خود را یک‌یک ناپود سازد. ولی انقلاب فرزند خور نیست. غفلت از نفوذ و رخنه‌ی فرصت طلبان است که فاجعه به بار می‌آورد... انقلاب مشروطیت ایران را چه کسانی به ثمر رساندند؟ و پس از به ثمر رساندن چه چهره‌هایی پست‌ها و مقامات را اشغال کردند؟ و نتیجه‌ی نهایی چه شد؟... به هر حال، مبارزه با رخنه و نفوذ فرصت طلبان علی‌رغم تظاهرات فریبنده‌شان یکی از شرایط اصلی ادامه‌ی یک نهضت در مسیر اصلی است.

۴) تفرقه و اختلاف داخلی

علی‌علیه السلام راز تداوم انقلاب و یک حکومت را دوری از تفرقه و تحکیم ارکان مودت و محبت و ترغیب و توصیه نسبت به آن معرفی می‌فرماید. مهم‌ترین عامل تهدید کننده‌ی بالندگی یک ملت از دیدگاه آن حضرت عبارت است از: کاشتن بذر نفاق و کینه در سینه، پشت کردن به یکدیگر، ترک یاری هم‌نوعان و تبدیل الفت و محبت به پراکندگی و تفرقه.

«چون در تفاوت وضع امم گذشته در نیکی و بدی اعمال‌شان اندیشه کردید، آن‌کاری را اختیار نمایید که عزت آنان بدان سبب تأمین شد، و دشمنان‌شان از عرصه حیات‌شان دور شدند، و زمان سلامتی‌شان طولانی گشت، و نعمت در اختیارشان

قرار گرفت، و پیوند کرامت آنان استوار شد، به این معنی که از تفرقه اجتناب کردند، و بر الفت پایداری نمودند، و یکدیگر را به آن تشویق و ترغیب کردند و سفارش نمودند و از اموری که ستون فقرات شان را درهم شکست، و قدرتشان را قرین سستی کرد دوری نمایند: از کینه ورزی قلوب، و عداوت سینه‌ها، و ناموافق بودن نفوس، و دست از یاری یکدیگر کشیدن.^۱

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری بر همین اساس پیوسته بر دوری از تفرقه و لزوم وحدت برای تداوم انقلاب تأکید داشته‌اند. تفرقه سبب شکسته شدن قدرت و از بین رفتن توان نیروهای بالقوه و بالفعل جامعه می‌شود.

البته نفس اختلاف نظر امری طبیعی و غیرقابل انکار است و در عین حال می‌تواند زاینده پیشرفت و ترقی نیز باشد، مشروط بر آن که از آثار منفی و انحرافی آن اجتناب شود و این شرط، زمانی تحقق خواهد یافت که انقلابیون مسلمان از جاده تقوای الهی خارج نشده و به نظرات رهبر و ولایت فقیه متعبدانه پایبند و وفادار باشند.^۲

۵) عدم مواجهه صحیح با آزادی و سوء استفاده از آن

آزادی یکی از نعمت‌های خداوند است و انسان فطرتاً خواستار آن است و با بهره‌مندی و استفاده درست از آن، می‌توان به فعالیت‌های اساسی و اجتماعی و زیربنایی پرداخت و نیز مشکلات مادی و معنوی جامعه را برطرف نمود. اما ملتی که سالیان متمادی در چنگال دیو استبداد، قدرت نفس کشیدن نداشتند، همین که یک باره و بدون آمادگی قبلی نعمت آزادی را در آغوش بگیرند به جای آن که در موقعیت جدید به فعالیت اساسی و زیربنایی بپردازند، با اقدامات و عملکرد نامناسب خود، سعی در نابودی آن می‌کنند؛ و به نام آزادی آن چنان سوء استفاده می‌شود که از کار اصیل و انقلابی خویش پشیمان می‌شوند - نظیر آن چه که در جریان مشروطیت گذشت - بنابراین، چنین سوء استفاده از آزادی مانند شمشیر دو دم اساس انقلاب را تهدید می‌کند؛ زیرا مسؤولان یا وضعیت موجود را تحمل می‌کنند که خود به هرج و مرج و خستگی مردم می‌انجامد، یا به محدود کردن آزادی و یا سلب آن از مردم می‌پردازند؛ که خود آغازی است بر پایان دادن به انقلاب و حاکمیت استبداد. در نتیجه ضمن بهره‌گیری از آزادی و رعایت حقوق دیگران و حفظ آن، لازم است که آموزش لازم برای استفاده صحیح از آن به مردم داده شود.

۱ - نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۲۹۶ - خطبه ۱۹۲ (قاصعه).

۲ - منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه.

۶) سرپیچی از فرامین رهبری

هیچ رهبری بدون برخورداری از پشتیبانی و حمایت‌های مردمی قادر به ادامه‌ی وظایف خود نخواهد بود، حتی اگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، یا امام معصوم علیه السلام باشد. بنابراین اطاعت از رهبری که مجتهد آگاه به زمان، عادل و باتقواست از لحاظ شرعی، قانونی و اخلاقی واجب‌الکید می‌باشد. امام علی علیه السلام درباره‌ی جایگاه و نقش رهبری در جامعه می‌فرماید: «جایگاه رهبر همانند بند تسبیح نسبت به دانه هاست که آن‌ها را گرد آورده و به هم پیوند می‌دهد پس هنگامی که بند تسبیح بگسلد دانه‌ها از هم جدا شده و هر سویی پراکنده می‌شوند و دیگر هرگز نمی‌توان آن‌ها را جمع‌آوری نمود».^۱

همچنین حضرت در بیان علل صعود و سقوط حکومت‌ها اطاعت از رهبری را از عوامل صعود و پیروزی و سرپیچی از فرامین رهبری را عامل سقوط و شکست جامعه می‌داند. امام علیه السلام در حالی که از سنگینی یارانش از جهاد و مخالفت‌شان با رأی آن جناب آزرده خاطر بود به منبر رفت و فرمود: «سوگند به خدا می‌بینم که این قوم به زودی بر شما چیره‌شوند به خاطر اجتماعی که آنان بر باطل‌شان دارند، و تفرقه‌ای که شما از حق دارید، و محض این که شما در راه حق به امام خود عاصی هستید، و آنان در راه باطل مطیع رهبر خویشند، و به علت این که آنان امانت او را ادا می‌کنند و شما خیانت می‌ورزید، و به جهت این که آنان در شهرهای خود درستکارند و شما فاسد هستید».^۲

۷) خستگی نیروهای انقلابی

ادامه‌ی انقلاب اسلامی تا رسیدن به تمام اهدافش، یک اصل است که هیچ‌گاه نباید از ذهن و فکر انقلابیون دور شود و افراد انقلابی باید بدون خستگی و با نشاط کامل، برای رسیدن به اهداف اصلی انقلاب تلاش کنند. به هر حال، سست شدن مردم از ادامه‌ی راه انقلاب، یکی از آفات مهم انقلاب است که ممکن است به دلایل متعددی از جمله رفاه طلبی، یا برخورد با مشکلات در ادامه‌ی راه حاصل شود. امام خمینی قدس سره درباره‌ی نقش مردم در انقلاب می‌فرماید: «این یک عنایتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت کرد، و از خود مردم، از خود این توده‌ها... از بازار - نمی‌دانم - از کوچه‌ها و خانه‌ها، افراد منبعث شدند و حکومت تشکیل دادند... تا وضع این طوری است حکومت بر قرار است... شما خوف از این که یک آسیبی این جمهوری اسلامی به آن برسد، از این خوف نداشته باشید».

۱ - نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۲۰۳، خطبه ۱۴۶.

۲ - نهج البلاغه (للصبحی صالح)، خطبه ۲۵.

بیشتر نهضت‌های صد ساله‌ی اخیر به خاطر همین نقیصه‌ها به ثمر نرسیدند. برای مثال پس از پیروزی نهضت مشروطیت و کنار رفتن رهبران نهضت و به تبعیت از آن‌ها مردم، نهضت به شکست انجامید. در نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز پس از کنار رفتن رهبران مذهبی، نهضت از درون متلاشی شد؛ بنابراین، تردیدی نیست که مشارکت و حضور گسترده‌ی مردم در صحنه‌ی انقلاب از عوامل اصلی و مهم پیروزی و خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان انقلاب بوده است.

دشمن همیشه بیدار است. دشمنان جهانی و حالت طغیان و خودکامگی که بعضی گروه‌ها و قدرت‌هایی که همیشه می‌خواهند خون مردم را بمکند، چه در داخل و چه در خارج، با چهره‌ها و با توطئه‌های تازه تجلی می‌کنند و از راه‌های تازه ای وارد می‌شوند و از جای دیگر رخنه می‌کنند. بنی اسرائیل در مرحله استمرار و تداوم انقلاب، به حضرت موسی علیه السلام گفتند:

«قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ - موسی! تا آن‌ها در آن جا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته ایم». (مائده/۲۴) به همین دلیل خداوند بر آن‌ها غضب کرد و فرمود: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ - (به موسی) فرمود: این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آن‌ها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش!». (مائده/۲۶)

پس اگر این مردم بودند که باعث پیروزی در مرحله اول انقلاب شدند، همین مردم هستند که باید در مرحله استمرار و تداوم انقلاب نیز حاضر و آماده انجام وظایف خود شوند.

۸) سوء مدیریت مسئولان

در کنار تعهد عملی، نقش عمده تخصص علمی و مدیریت قوی در رهبری و مسئولان نیز بر همگان آشکار است و فقدان آن در زمره‌ی آفات خطرناک انقلاب به شمار می‌آید. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ - ای مردم شایسته‌ترین کس برای زمامداری، نیرومندترین و داناترین آنان به امر خدا و امر مربوط به زمامداری است».^۱

همچنین امام علی علیه السلام عوامل افول دولت‌ها را چهار چیز می‌دانند: «تباه نمودن اصول اساسی، فریب کاری، مقدم داشتن فرومایگان و مؤخر داشتن فرزندانگان».^۱ عوامل مزبور از ضعف یا سوء مدیریت مسئولان حکومتی ناشی می‌شود و به تضعیف دولت می‌انجامد.

۹) ناتمام گذاشتن آرمان‌های نهضت

به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری (رحمه‌الله علیه)، متأسفانه تاریخ نهضت‌های اسلامی صدساله اخیر، نشان از یک نقیصه در رهبری روحانیت شیعه دارد و آن این که روحانیت نهضت‌هایی را که رهبری کرده تا مرحله پیروزی بر خصم ادامه نداده است. مورد انقلاب اسلامی ایران هر چند وضعیت متفاوت است، اما هنوز همه ی آرمان‌های داخلی و خارجی انقلاب تحقق نیافته است. تلاش در جهت تقویت و اجرای این آرمان‌ها از طریق افزایش آگاهی‌های عمومی و بسیج امکانات، به افزایش اقتدار و استحکام داخلی و نفوذ بین‌المللی انقلاب می‌انجامد.

بخش سوم:

آسیب‌شناسی اقتصادی

اهمیت مسائل اقتصادی در حدی بود که قانون اساسی یک فصل (فصل چهارم) را اختصاص به مسائل اقتصادی داده است. در مقدمه قانون اساسی نیز آمده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسانی در جریان رشد و تکامل است نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود، ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت». شهید آیت‌الله مطهری رحمه‌الله علیه فرموده است:

«من تأکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد...»^۲ این مکتبی است که پیشوایش علی علیه السلام می‌فرماید:

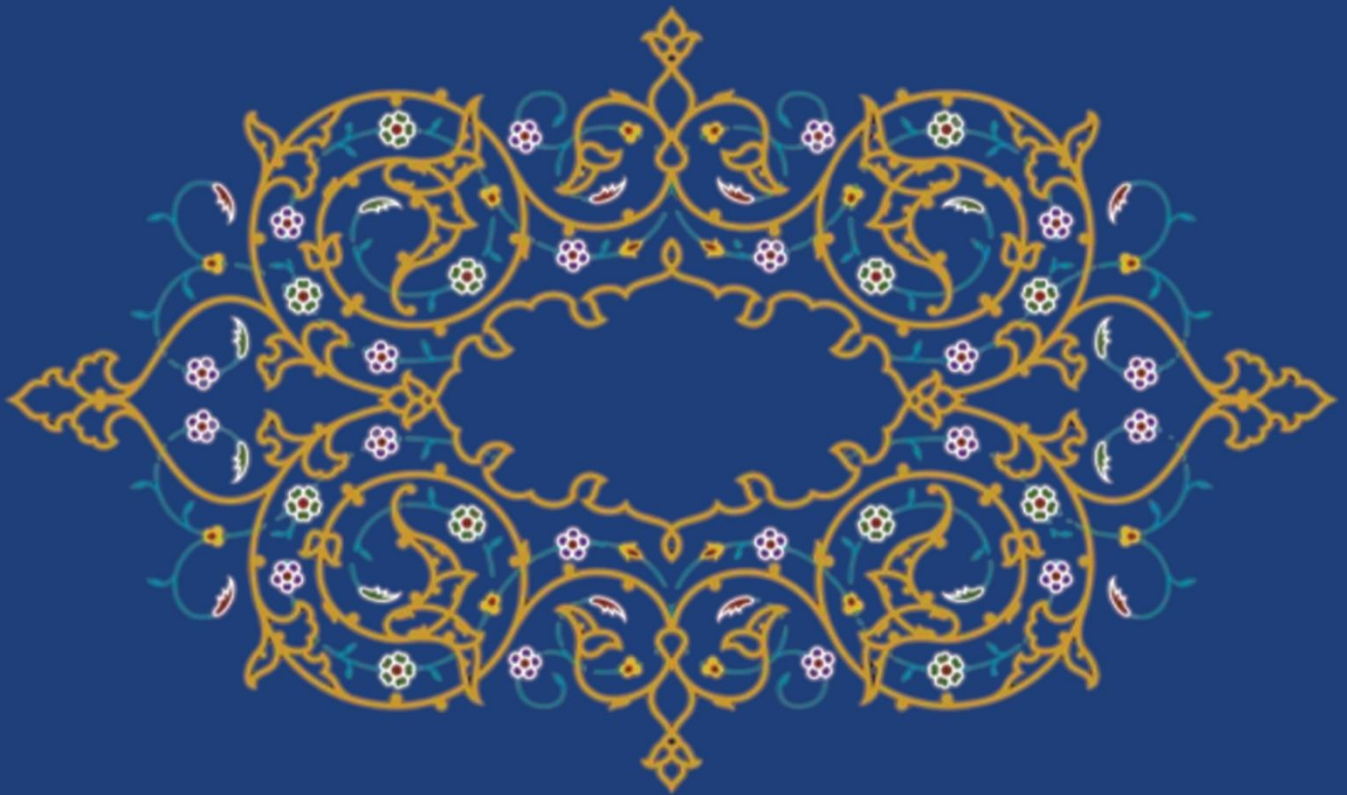
۱ - غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۴۲، شماره ۷۸۳۵.

۲ - کتاب پیرامون انقلاب اسلامی - پی‌نوشت ۳۳.

«اما دور باد که هوس بر من پیروز گردد و آتشین مرا به نوشخواری کشاند، حالی که در حجاز و یمامه مردمی باشند که به گرده ای نان امید نداشته و شکمی سیر به خود ندیده باشند. دور باد که من با شکمی انباشته و آماسیده از طعام روز را به شب آورم و در پیرامون من گرسنگان و جگر سوختگان باشند»^۱.

مهم‌ترین آفت‌های این حوزه را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بیگانه و غفلت از نفوذ دشمن در پایه‌های اقتصاد کشور با اجرای الگوهای اقتصادی غیر بومی.
- نداشتن برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت برای نیل به استقلال و توسعه اقتصادی؛ که سبب می‌شود امکانات کشور بی‌آنکه راه‌گشای یک اقتصاد مستقل و توسعه یافته شود در امور روزمره و زودگذر به کار افتد و از میان برود.
- عدم توجه به بحران‌های اقتصادی یا عدم توجه به اقشار کم‌درآمد در اجرای برنامه‌های سازندگی و توسعه اقتصادی.
- عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی. (چنان‌که رهبر معظم انقلاب بارها بر این مهم تأکید ورزیده‌اند).
- پیدایش ثروت‌های بادآورده و بی‌توجهی به مستضعفان و عنایت به ثروتمندان، و فقدان عدالت اجتماعی - اقتصادی.



دہہ ی فخر آن آئینہ می است
کہ نورشید اسلام در آن درخشید و بہ ما منعکس شد.

